



## سوره مبارکه زمر

جلسه اول: ۹۲/۱۰/۱۴

- سوره مبارکه زمر، سوره‌ای تقریباً فلسفی است. به همین علت نوعاً در آیات آن احکام وجود ندارد و موضوعات اعتقادی و باورها در آن پررنگ است.

- این سوره یک سوره شناختی است و به همین دلیل علم ما را نسبت به هستی، خداوند و جامعه بالا می‌برد.

- در مطلع و انتهای سوره با توجه به سیاقش نشان داده می‌شود که:

✓ اگر کسی عاشق حمد است و دوست دارد حامد شود لازم است روی سوره زمر کار کند.

### بررسی اجمالی سوره:

- «زمر» به معنای گروه و دسته است.

- آیه ۱: این سوره شبیه سوره‌های حوامیم شروع شده است اما حروف مقطعه ندارد و با تنزیل کتاب شروع می‌شود. (تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱))

- می‌توان گفت این سوره مقدمه و نتیجه سوره حوامیم است. مانند این است که این سوره علمدار هفت سوره حوامیم است.

- آیات ۱ و ۲: خدا را شکر خدایی را که برای ما کتاب فرستاد. این شکر فرستادن، باید «عبودیت خالصانه» باشد.

- آیه ۳: هر معبودی را که شما پرستید، آن معبودها هم خدا را می‌پرستند.

- اگر کسی معبودی داشت و پنداشت آن معبود همه کاره است دروغ می‌گوید. خود «کفر» بزرگترین دروغ است.

- با اینکه اختلاف می‌کنید اما کسی نمی‌تواند غیر خدا را پرستد.

- آیه ۴: خداوند فرزند ندارد.

- آیه ۵: شروع به مطرح کردن فهرستی از آیات خلقت می‌کند.

- آیه ۶: توجه: آیات از کل به سمت پایین می‌آید ابتدا خلق آسمان و زمین سپس شب و روز، تسبیح شمس و قمر، خلق شما از نفس واحد، زوجیت. (وقتی تسبیح شمس و قمر را مطرح می‌کند منظور فصول، سال‌ها، سن و ... را شامل می‌شود.)

- آیه ۷: فکر نکنید که اگر کسی کافر شد خدا رضایت دارد. خدا خواسته است اما رضایت ندارد. خدا خواسته است زیرا کسی خارج از اراده خدا نمی‌تواند کاری کند اما خدا به کفر کسی رضایت ندارد. اگر کسی خواست خدا را راضی کند فقط از زاویه «شکر» می‌تواند.

- آیه ۸: آیاتی مانند آیه ۸ با انسان احتجاج می‌کند. کسانی که می‌گویند ما بلد نیستیم کار خوب انجام دهیم، خدا نشان می‌دهد که همین افراد زمان‌هایی می‌توانند خوب باشند. اگر فرد هنگام ضرر هم نتواند خدا را بخواند تکلیف از او برداشته می‌شود.

- همین که خدا انسان را تست می‌کند که انسان در مقام ضرر می‌تواند خدا را خالصانه بخواند، نشان‌دهنده این است که می‌تواند همیشه خدا را خالصانه بخواند.

- آیات این سوره به نوعی است که انگار قسمتی را گفته و قسمتی را حذف کرده است.

- آیه ۹: آیات این سوره از نظر بلاغت بسیار زیباست. اگر کسی اندکی به دستور زبان عرب واقف باشد، به این مسئله پی خواهد برد. اگر کسی بخواهد یک سوره در زمینه بلاغت کار کند این سوره بسیار مناسب است.
- آیه ۱۰: این آیه معنای تقوا را بیان کرده است. افراد با تقوا کسانی‌اند که «أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ» یعنی آنها کسانی‌اند که اگر نتوانند جایی زندگی کنند جایی دیگر می‌روند و مشق صبر می‌کنند.
- آیات ۱۱ تا ۱۴: این آیات همه وصف رسول گرامی است. وقتی خدا با بیان «قل» به پیامبر اینگونه می‌گوید یعنی خدا شهادت می‌دهد که پیامبر این خصوصیات را داشته است. او «أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ (۱۱) / وَ أَمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ (۱۲) / قُلْ إِنْني أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۱۳) / قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دِينِي (۱۴)» بوده است.
- آیه ۱۵: این آیه بیان دیگری از سوره عصر است.
- آیه ۱۶: اینکه انسان از طاغوت اعراض داشته باشد معنای دوم تقوا در این سوره است.
- آیه ۱۷: اجتناب و اعراض از طاغوت موضوع بسیار مهمی است. اعراض از طاغوت و انابه به سمت خدا را «تقوا» نامیده است.
- آیه ۱۸: این آیه معنی «اولوالالباب» را بیان کرده است. اولوالالباب کسانی‌اند که «يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»
- آیه ۱۹: آیا کسی که کلمه عذاب بر او نازل شده بهتر است یا کسی که بهشت بر او واجب شده است. (البته قسمت دوم را در آیه نیاورده و حذف کرده است).
- آیه ۱۹: در این آیه به صورت مقایسه‌ای آورده است. در این سوره «مقایسه» بسیار زیاد آمده است.
- آیه ۲۱: ظاهراً این سوره قصد کرده است انسان‌های مؤمن را به درجه اولوالالباب برساند. یکی یکی راه‌های اولوالالباب شدن را مطرح می‌کند.
- آیه ۲۲: در این آیه نیز قسمتی از جمله حذف شده است و به جای آن جمله دیگری آورده است.
- آیه ۲۳: جالب است اولوالالباب با خواندن قرآن پوستشان عوض می‌شود. از خوف به رعشه در می‌آید و نرم می‌شود.
- «تَقَشَّرُ» یعنی پوست هنگام شنیدن قرآن از حالتی که پیدا می‌کند جمع می‌شود.
- آیه ۲۴: قسمت دوم این آیه نیز حذف شده است.
- در این آیه از واژه «تقوا» برای دفع عذاب توسط ستمگران به کار برده است. اما تقوایش به معنای رسیدن عذاب به ظالم است.
- آیه ۲۶: هر کس می‌خواهد به معنای واقعی نزد ملائکه و انبیاء در ملکوت زیبا شود سوره زمر را بخواند. این سوره رموز زیبا شدن در ملکوت را به انسان یاد می‌دهد.
- آیه ۲۹: این آیات بسیار زیباست. با مقایسه وضعیت‌های مختلف در ما عقلانیت را شکوفا می‌کند.
- آیات ۳۰ و ۳۱: پیامبر می‌میرد و آنها هم می‌میرند ولی این مردن کجا و آن مردن کجا؟
- آیه ۳۳: این آیه معنی سوم تقوا را بیان می‌کند.
- آیات ۳۴ و ۳۵: سوره دور مدار مفهومی به نام «حُسن» می‌چرخد.
- متقین کسانی‌اند که از آنها حُسن بروز پیدا می‌کند. به این اعتبار به آنها «متقین» گفته می‌شود.
- آیه ۳۸: این آیات از آیات مُج‌گیر است.

- آیه ۳۹: از این آیه، فاز جدیدی از سوره شروع می‌شود. انگار جریان سوره را از ابتدا مرور می‌کند.
- آیه ۴۱: مراقب باشید اگر خوبی، رحمت و ... هست، فقط برای خودتان نخواهید برای دیگران نیز بخواهید. ای پیامبر ما نازل کردیم کتاب را برای ناس یعنی بلکه این کتاب هدایت همگانی ایجاد کند. بقیه را خواستن، خیلی مهم است.
- آیه ۴۲: خدا دفتر مشقی به همه آدم‌ها داده تا بتوانند مرگ و چستی آن و نقش حیات در مرگ را هر شب و روز، مشق کنند و نام این دفتر مشق را «خواب» گذاشته است. ما به وسیله خواب باید چنان مرگ را مشق کنیم تا دیگر از مرگ نترسیم چون هیچ‌گاه از خواب نمی‌ترسیم و خواب برایمان عجیب و غریب نیست. خدا این‌گونه، کاری کرده که مرگ برایمان خواستنی شود آنقدر که حضرت علی (ع) فرموده‌اند: انس من با مرگ از طفل به شیر مادرش بیشتر است.
- باید مرگ برای ما از کابوس خارج شده، تبدیل به یک هدیه نورانی خاص شود که فقط مخصوص مؤمنین است.
- آیات ۴۳ و ۴۴: مواردی را ذکر می‌کند که انسان را بی‌عقل می‌کند..
- همه چیز در این سوره «خیلی» است. خوبی آن خیلی است و بدی هم خیلی است.
- آیه ۴۷: گیریم همه آنچه که در آسمان‌ها و زمین است مال آنهایی باشد که ظلم کرده‌اند و آن را فدیة آورند کسی ذره‌ای از عذاب را از آنها برطرف نمی‌کند.
- «سوء» را مقابل «حُسن» آورده و «سینه» را مقابل «حسنة» آورده است. حسنه، رمز تقواست و سینه، رمز بی‌تقوایی است. در قیامت بدی کارهایی که انجام داده‌اند آشکار می‌شود.
- ریز به ریز خصوصیات حُسن و سوء را به ما نشان داده است تا کسی نگوید من نمی‌دانم حُسن و سوء چیست؟
- آیه ۴۹: خصوصیت سوء این است که حال فرد در وضعیت اضطراب و غیر اضطراب متفاوت است. فرد هنگامی که در وضعیت اضطراب نیست همه خوبی‌ها را از خودش می‌بیند. این مسئله پایه همه کارهای بد است. بُن کار بد این است که حال انسان هنگام خوبی و اضطراب متفاوت است. او همه مالکیت را از خودش می‌بیند. «سوء» نور را از بین می‌برد.
- این سوره بسیار عجیب است. این سوره چشم ما را به حُسن و سوء باز می‌کند و ملکوتی می‌سازد.
- آیه ۵۰: خدا کسی را که حُسن را از خودش می‌داند و می‌پندارد آن را با دانش خودش به دست آورده است، مانند قارون می‌داند. زیرا مانند این عبارت را در سوره قصص برای قارون به کار برده است.
- آیه ۵۱: سینه بسیار بد است و یکی از خصوصیات آن این است که بعد از مدتی که انسان به سینه خو می‌کند احساس می‌کند خدا هم نمی‌تواند انسان را اصلاح کند. انسان هرچقدر هم که بد باشد، خدا می‌تواند انسان را خوب کند. اگر کسی در ذهنش خطور کرد تا حدی که من بد شده‌ام حتی خدا هم نمی‌تواند من را اصلاح کند یعنی خدا را «عاجز» دانسته است.
- «عجز» یعنی خدا هم از هدایت من عاجز است.
- کسانی که خودکشی می‌کنند و یا شدیداً ناامید می‌شوند احساس می‌کنند خدا را به عجز در می‌آورند.
- آیه ۵۲: بهره و رزق مادی و معنوی بعضی افراد کم و بعضی زیاد است.
- آیه ۵۳: بدی، بدی می‌آورد. اگر کسی بتواند چرخه «بدی، بدی می‌آورد» را بشکند، «توبه» صورت گرفته است. اگر بدی کردیم و بدی برایمان توبه آورد و بدی بیشتر و یأس نیاورد، یعنی ما چرخه بدی، بدی می‌آورد را شکسته‌ایم.

- خدا چقدر به انسان اعتماد دارد. در این سوره چقدر انسان بالا برده شده که خدا می‌گوید: «ای انسان من برای تو خیلی چیزها را نازل کردم تو از بین اینها برترین و بهترینش را انتخاب کن و از آن تبعیت کن.

- این یعنی انسان بینایی بسیاری دارد و می‌تواند احکام را بالا و پایین ببیند. او می‌تواند احسن را انتخاب کند.

آیه ۵۶: جَنْبِ اللَّهِ: داستان این سوره این است که ما را به «جَنْبِ اللَّهِ» دعوت می‌کند. ما باید به جنب الله برسیم یعنی همسایه خدا شویم. وقتی انسان وضعیت خود را می‌بیند که خدا در کنارش بود ولی او را ندید و کار خوب نکرد، دچار «حسرت زیادی» می‌شود.

- تفاوت کار خوب و بد مانند این است که کسی برایتان آب بیاورد، آن آب را بخورید و یا آن را بر زمین بریزید. به همین علت است که انسان حسرت می‌خورد زیرا انجام دادن کار خوب، خیلی از اوقات راحت‌تر از کار بد است.

- «کار حُسن» طبیعی ذات انسان است. «کار سوء» طبیعی ذات انسان نیست. او حسرت می‌خورد زیرا می‌فهمد که در جنب خدا بوده ولی در واقع از او دور بوده است.

- آیه ۵۷: ظالم چون کار خوب نکرده، مجبور است بیافد. او می‌گوید: «خدا باید یادم می‌داد که آب را بخورم و نریزم.

- آیه ۶۰: زشت و سیاه شدن افراد گناه‌کار را در قیامت بیان می‌دارد.

- آیه ۶۳: معنی دوم «حُسْر» را بیان کرده است.

- آیه ۶۴: این آیه همان «سلام» در سوره مبارکه فرقان است.

- آیه ۶۵: معنی سوم «حُسْر» را بیان کرده است.

- جالب است که در این سوره واژه‌ها را یکی می‌کند. مثلاً کفر را با شرک یکی می‌کند و سینه را با کفر و شرک یکی می‌کند و ...

- آیات این سوره چنان عظیم است که اصلاً قابل توصیف و توضیح نیست و فضای سوره کاملاً تصویرسازی شده است و فقط باید روی عبارت‌ها توجه کرد تا بتوان آنها را تصویرسازی کرد.

- یکی از بزرگترین و مهم‌ترین جلوه‌های قیامت را می‌توان در این سوره دید. بسیار ترسناک است. (در این سوره در آیه ۲۳ گفته است «تَفْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودٌ»). اگر انسان آیات این سوره را با دقت چندبار بخواند حتماً صیحه خواهد زد و جان خواهد داد.

- آیه ۷۳: ملائکه‌ای را که انسان در روز قیامت می‌بیند دو گروه‌اند که توضیح آن در سوره مبارکه «ق» آمده است. آن دو دسته را «سائق» و «شهید» نامیده است. «سائق‌اند» چون او را سوق می‌دهند و «شهیدند» چون به کارهایی که انسان کرده است گواهی می‌دهند.

خدا این دو گروه ملائکه را در سوره طارق، ملائکه حافظ نامیده است. ملائکه حافظ در سوره طارق در روز قیامت به سائق و شهید تبدیل می‌شوند. سائق و شهید در واقع خود اعمال فرد هستند که توسط ملائکه ثبت شده‌اند.

- تکلیف: برای جلسه آینده سوره را مطالعه کنید و پاسخ این سئوالات را بیابید.

۱- چگونگی مشاهده حُسن آفرینی در نظام هستی

۲- چگونگی حُسن آفرینی در نظام هستی

۳- ارتباط حُسن با مراتب تقوا و راه‌کارهای عملی با تقوا شدن.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين